

شناخت و نگرشی بر مکتب شهید حاج قاسم سلیمانی

رسا صفائی نمین، رسول صفائی نمین، فائزه سعیدی، فرزاد تات شه دوست،
حمید درستان

دانشجوی کارشناسی ارشد رشته مدیریت شهری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات

تهران

Rassasafaei11@gmail.com

دانشجوی دکترای جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

dr.rasoulrassa@gmail.com

دانشجوی کارشناسی ارشد رشته طراحی شهری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات

تهران

faezeh96saeidi@gmail.com

دانشجوی دکترای مهندسی برق کنترل دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار

farzadtat1992@gmail.com

دانشجوی کارشناسی ارشد رشته مدیریت شهری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات

تهران

Hdorestan@gmail.com

چکیده

یکی از سیاست های کارآمد و راهبردی برای کسب امتیاز در صحنه رقابت اقتصاد بین الملل و همچنین پیشرفت اقتصادی، تلافی دو حوزه اقتصاد و سیاست خارجی است که «دیپلماسی اقتصادی» نام دارد. هدف از تحقیق حاضر این است که نشان دهد، بهره گیری از تجربه نو بنام دیپلماسی اقتصادی در گام بعدی انقلاب اسلامی بسیار کارآمد است. این پدیده متفاوت اما مکمل دیپلماسی رسمی است و گرچه پدیدآورندگان غربی آن هدفشان بهره گیری از آن برای محقق ساختن پروژه جهانی سازی بوده است لکن ظرفیتهای آن کاملاً قابل استفاده در راستای اهداف انقلاب اسلامی در مقابله با تحریم و فشار اقتصادی نظام سلطه است بطوریکه میتوان آن را از اصول مهم اقتصادی مقاومتی به شمار آورد. از طرفی دیپلماسی اقتصادی مبتنی بر مکتب شهید سلیمانی که به نوعی برگرفته از دیپلماسی نهضتی آن شهید گرانقدر بود الگویی بسیار کارآمد است که اثرات مثبت خود را در بسیاری از موارد نشان داده است. مدیریت ریسک و مخاطرات یکی از ملزومات اساسی ارتش های نوین است و بدون پیاده سازی فرایندهای علمی و منطقی، قادر به شناسایی و رفع مخاطرات در محیط های پویا و فناورانه نخواهیم بود. به دلیل ماهیت خطرافرین بودن عملیات های نظامی و همچنین خود سازمان های نظامی، مدیریت ریسک در عملیات های نظامی از اهمیت بسیار مهمی برخوردار است. عملیات های نظامی پیچیده هستند و شامل جزئیات بسیار پیچیده، که بدون مدیریت ریسک می توانند باعث شکست و خسارت جبران ناپذیری شوند. از این رو حایز اهمیت است که فرماندهان و رهبران نظامی عالی رتبه با مدیریت ریسک آشنا شوند تا از خسارت و شکست در سازمان و عملیات های نظامی جلوگیری شود. با استفاده از مدیریت ریسک، نیروهای نظامی می توانند از حوادث پرهزینه اجتناب کرده و کارایی و توان خود را افزایش دهند. واضح است که تصمیمات فرماندهان نظامی در شرایط پرخاطر، سرنوشت عملیات های نظامی و همچنین سازمان نظامی را تعیین می کند.

کلیدواژه : حاج قاسم سلیمانی، شایستگی، فرماندهی

مقدمه

از پگاه تاریخ زندگی بشر بر روی کره خاکی و از آن هنگام که دست قایل به خون هابیل آلوده گشت، پایه دو جریان حق و باطل نهاده شد. هابیل که مظهر ایمان و صدق و اخلاص بود، اولین شهید تاریخ است و در نقطه مقابل، قایل، که نفسی حریص داشت و حقد و حسد وجود او را مالا مال از نفرت نموده بود و به ناحق دست خویش را به خون برادر آلود، اولین شقی تاریخ و بدین ترتیب این حادثه آغاز شکل‌گیری دو جریان حق و باطل در تاریخ شد. چرخ روزگار همچنان گردید و گاه جریان نورانی حق، وجه غالب را در جوامع می‌یافت و گاه جریان ظلمانی باطل، جامعه را به سوی تباهی و پلیدی و پلشتی سوق می‌داد و در مقاطع مختلف پیامبران الهی برای زدودن زنگار از چهره حق و ایجاد انگیزه در انسان برای بازگشت به فطرت الهی خویش، از ناحیه پروردگار متعال مبعوث می‌گردیدند. کاروان بشریت بایستی در طول تاریخ، منزل به منزل ره می‌پیمود تا بستر مناسب برای پدیدار گشتن آخرین دین الهی فراهم شود و بدین ترتیب نوبت به ختم رسل حضرت محمد مصطفی (ص) رسید. پیامبر اکرم (ص) ۲۳ سال در راه استقرار مکتبی جامع و انسان‌ساز از عمق جان کوشید و پایه گذار یک نظام فکری - عملی بی بدیل و یک مکتب جامع و فرهنگی سترگ و تمدنی عظیم گردید. (عابدی و کاراندیش، ۱۳۹۰) پیامبر اعظم (ص) پس از ۲۳ سال مجاهدت در راه استقرار مکتب حیات بخش اسلام به دیدار معبود شتافت، در حالی که دو میراث گرانقدر از خویش به عنوان چراغ راه، برای نجات انسان از انحراف به سوی کژراهه‌ها برای همیشه تاریخ به یادگار نهاد. (محمدی و فقیهی زاده، ۱۳۹۵)

از یکسو قرآن کریم، این نامه سرگشاده دادر هستی به بشریت را، و از سوی دیگر عترت طاهره اش، اهل بیت عصمت و طهارت (ع) را، به عنوان قرآن مجسم و برترین الگوها در عرصه های ایمان و عمل صالح. گرچه جریان وحی متوقف گردید اما این دو میراث گرانقدر پیامبر اکرم (ص)، چراغ راه بشریت گشتند تا انسان در هر عصری و هر نسلی تا منتهی الیه تاریخ بشریت، بتواند با بهره گیری از آنها، راه را از بیراهه و حق را از باطل تشخیص دهد. دنیاپرستان از همان ابتدا تلاش نمودند تا جریان حق را سرکوب کنند و بدین ترتیب معصومین (ع) «غیر از آن ذخیره الهی حضرت بقیه الله الاعظم (ع) که جان های شیفته در انتظار ظهور اوست» یکی پس از دیگری به شهادت رسیدند. (راغب اصفهانی، ۱۳۸۶)

در این میان، جاری خون مطهر سیدالشهداء حضرت اباعبدالله الحسین (ع)، هنگام‌های شگرف در گیتی پدید آورد که خود نقطه عزیمتی برای شکل‌گیری نهضت‌های حق طلبانه و عدالت‌جویانه در طی نزدیک به ۱۴ قرن گذشته گردید. نهضت‌ها هر از گاهی شکل می‌گرفتند و خط سرخ مقاومت و جهاد و شهادت را امتداد می‌بخشیدند تا اینکه سرانجام نوبت به انقلاب شکوهمند اسلامی رسید.

این بار حضرت روح الله (ره) بر آن شد تا در مقابل استبداد داخلی و استعمار خارجی در دوران رژیم ستم‌شاهی قد علم کند و نهضتی بزرگ برپا نماید. بدین ترتیب انقلاب شکوهمند اسلامی بر سه پایه استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی شکل گرفت که امواج توفنده آن گستره جهان را در نورید. با پیروزی انقلاب کبیر اسلامی، از یک سو نور امید در دل دردمندان و

محرومان جهان تابیدن گرفت و از سوی دیگر، کنگره‌های کاخ‌های ستمگران و مستکبرین عالم به لرزه درآمد. به گونه‌ای که آنان برآن شدند تا برای استمرار سیطره خویش در منطقه و جهان؛ از همان روزهای آغازین پیروزی انقلاب، توطئه‌های فراوانی را تدارک دیده و به کار بندند تا انقلاب نوپای اسلامی را به زانو درآورده و به شکست وا دارند. اما به فضل خداوند متعال، از هیچ یک از توطئه‌ها طرفی نبستند تا اینکه سرانجام هم داستان گردیدند تا جنگی سنگین و ظالمانه را بر کشورمان تحمیل نمایند. (آملی، 1386) غافل از اینکه با عنایات حضرت حق و با رهبری پیامبرگونه امام راحل عظیم‌الشأن (ره) ملت بزرگ ایران به بهترین شکل ممکن، کیمیاگری می‌کند و تهدید جنگ تحمیلی را تبدیل به فرصت دفاع مقدس می‌نماید، به گونه‌ای که برخلاف تصور ابتدایی دشمنان غدار، این دوره هشت‌ساله به عنوان سندی پرافتخار از مقاومت یک ملت آگاه، مؤمن، شجاع و انقلابی در پیش چشم جهانیان رخ نمود و برای همیشه در تاریخ ثبت گردید. در طی دوران هشت ساله دفاع مقدس، روحیه مقاومت و جهاد و شهادت‌طلبی در اعماق جامعه از مرکز کشور تا دور دست‌ترین روستاها رسوخ یافت.

در این دوران استعدادهاى شگرفی از جای جای ایران اسلامی از قوه به فعل درآمدند و افسران رشیدی قد برافراشتند و حماسه‌ها خلق کرده و افتخارات خیره‌کننده‌ای برای این سرزمین کسب نمودند، خیل عظیمی از دلاورمردان و شیرزنان ایران زمین در جبهه و پشت جبهه از عمق جان مایه گذاشتند و از تمامیت ارضی کشور و کیان انقلاب و نظام و حریم اسلام ناب محمدی (ص) جانانه دفاع نمودند. دوران دفاع مقدس همچون کوره‌ای گدازنده بود که جانهای پاک و مخلص در آن آبدیده می‌شدند. در این دوران چه بسیار سربازان دلیری از سپاه و ارتش و بسیج که رشد نموده و تبدیل به فرماندهان برجسته‌ای شده که از میان آنها جمعی شهید، جمعی جانباز و جمعی آزاده گردیدند و تقدیرالهی براین پایه قرار گرفت که جمعی از آنها بمانند تا تربیت‌کننده نیروهای جوان و مؤمن و انقلابی و سلحشوری باشند که راه و رسم مقاومت را همچنان زنده و مانا و پویا نگهدارند. در روزهای آغازین دفاع مقدس، جوانی کرمانی و از خطّه کویر، به خیل عظیم رزمندگان پیوست. این جوان مؤمن و شجاع و هوشمند و تیزبین در طی چهل‌سال آنچنان جلوه کرد و خوش درخشید و در مسیر کمال به پیش رفت که سرانجام سگّه تأسیس یک مکتب به نام او توسط رهبر حکیم و فرزانه انقلاب اسلامی زده شد به گونه‌ای که امروزه هر انسان آگاه و منصفی بر به کار بردن این واژه گرانسنگ و پر مغز و دقیق در خصوص آن سرباز اسلام و ولایت یعنی سردار سرفراز اسلام «شهید سپهبد قاسم سلیمانی» گواهی می‌دهد و صحّه می‌گذارد. (رضائیان، 1399) به راستی چه فرآیندی در زندگی یک انسان طی می‌شود که او را در قامت یک مکتب، فرازمند می‌کند؟ چه اتفاقاتی رخ می‌دهد که یک انسان به تنهایی یک مدرسه درس‌آموز می‌گردد؟ پاسخ روشن است. هرگاه انسان از مدار فردیت خویش خارج گردد و سعه وجودی او آنقدر گسترش یابد که بر نفوس انسانها تأثیری قابل توجه در مسیر کمال بگذارد او در واقع تبدیل به یک مکتب شده است. آنگاه که منظومه‌ای منسجم و جامع و متشکل از اجزای یک شخصیت رشدیافته در ابعاد مختلف و زمینه‌های گوناگون شکل می‌گیرد او

به عنوان یک مکتب و یک الگو و یک مدرسه درس‌آموز رخ می‌نماید. و سردار دلها و قاسم عزیز ملت‌های آگاه و آزاده این چنین بود. همانگونه که یار مخلص و همراه مؤمن و شجاعش ابومهدی مهندس «که درودبیکران الهی بر او باد» این چنین بود. (فکوهی، 1382)

مبانی نظری تحقیق

باور به توحید و به دنبال آن پذیرش ولایت رسول اکرم و ائمه علیهم‌السلام و در نهایت اعتقاد به، ولی فقیه اولین عنصر مکتب سیاسی حاج قاسم است که در رفتار و منش سیاسی او تحت عنوان عقلانیت (در حوزه سیاست داخلی) و مقاومت (در حوزه سیاست خارجی) نمود پیدا می‌کند. زندگی مجاهدانه سردار حاج قاسم سلیمانی مملو و مشحون از این سه عنصر است؛ «ولایت» در جای جای تصمیمات ایشان تأثیر گذاشته به گونه‌ای که حتی یک لحظه نیز بر خلاف خواست و منویات امامین انقلاب اسلامی عمل نکردند.

اما بروز عقلانیت سیاسی در صحنه داخلی کشور، مهم‌ترین مشخصه این شهید عزیز است. هدف غایی حاج قاسم سلیمانی، اعتلای ایران اسلامی بود و در راه رسیدن به این هدف با تمامی جریان‌های سیاسی تعامل داشت. به عبارت دیگر در دستگاه محاسباتی حاج قاسم سلیمانی اصالت با منافع ملت مسلمان بود و برای تحقق این منافع از ظرفیت تمامی جریان‌های سیاسی استفاده کرد و تمامی همت بلندش را در راه کاهش تنش میان جریان‌ها و ایجاد فهم مشترک از مفاهیم ملی و اسلامی؛ آن هم در صحنه عمل صرف کرد.

اقدامات منطقه‌ای حاج قاسم بیش از دیگر جنبه‌های شخصیتی ایشان برای ملت ایران قابل درک و فهم است؛ چه این که در طول حیات با برکت خود به واسطه نبوغ فکری و نظامی و هم‌چنین مجاهدت مؤمنانه، به عنوان مرجع و فرمانده عملیاتی میدان مبارزه با استکبار جهانی و منطقه‌ای شناخته شد. مقاومت مهم‌ترین عنصر شخصیتی ایشان است که آن را از مکتب پیر و مراد خود یعنی امام راحل به ارث برده است.

مجموعه این عناصر نشان می‌دهد که سردار سلیمانی در مثنی سیاسی و عملی شاگرد امام راحل بود؛ همان‌طور که رهبری فرمودند: «اهل حزب و جناح و مانند این‌ها نبود، لکن به شدت انقلابی بود. انقلاب و انقلابی‌گری خط قرمز قطعی او بود؛ این را بعضی‌ها سعی نکنند کم‌رنگ کنند، این واقعیت او است؛ ذوب در انقلاب بود، انقلابی‌گری خط قرمز او بود. در این عوالم تقسیم به احزاب گوناگون و اسم‌های مختلف و جناح‌های مختلف و مانند این‌ها نبود، اما در عالم انقلابی‌گری چرا، به شدت پایبند به انقلاب، پایبند به خط مبارک و نورانی امام راحل (رضوان الله علیه) بود.» (آیت الله خامنه‌ای، 1398)

اصول عملی حاج قاسم سلیمانی :

اول؛ اعتقاد عملی به ولایت فقیه

حاج قاسم سلیمانی در فراز سیاسی وصیت‌نامه حیرت‌انگیز خود مفهوم ولایت‌پذیری عملی را ارتقاء داده است. ایشان با تقسیم ولایت‌پذیری به «قانونی» و «تنوری» و «عملی»، سومی را اولی‌تر از دو نوع اول بیان کرده و معتقد است که مسئولین جمهوری اسلامی برای به دوش کشیدن بار مسئولیت باید به ولایت فقیه اعتقاد عملی داشته باشند. بر این اساس مراد از اعتقاد عملی گوش کردن توصیه‌ها و تذکرات، ولی و عمل به آن است. نتیجه انضمامی چنین اعتقادی، ایجاد وحدت فراگیر در بین مسئولین خواهد بود.

جملات ایشان در ایام فتنه ۸۸ به خوبی گویای این اصل است که فرمودند: «من یک معیار و شاخص برای شما بیان کنم که از من داشته باشید. اگر همین بزرگواری که اسم بردید و تمام مراجع و تمام روحانیت و تمام مسئولین و روسای سه قوه و تمام وزرا و دولت و همه و همه یک

طرف باشند و رهبر معظم انقلاب یک طرف دیگر باشد، من در کنار رهبر معظم انقلاب در مقابل همه آنها خواهم ایستاد.» (سعادت نژاد، 1390)

دوم؛ خدمت به مردم

پنجمین توصیه سیاسی وصیت‌نامه حاج قاسم سلیمانی احترام و خدمت به مردم است. در نگاه حاج قاسم خدمت به خلق خدا عبادت خواهد بود؛ همان‌طور که رسول اکرم صلی‌الله علیه و آله فرمودند: «مَنْ قَضَى لِأَخِيهِ الْمُؤْمِنِ حَاجَةً كَانَتْ كَمَنْ عَيْدَ اللَّهَ دَهْرَهُ» (شیخ طوسی، 1051) که بدین معناست هر کس یک نیاز برادر مؤمن خود را برآورد، مانند کسی است که عمر خویش را به عبادت خدا سپری کرده باشد. اگر نگاه مسئولی خدمتگزاری به مردم بود، تمامی حواشی به کنار خواهد رفت و رقابت سیاسی به شکل امروزی اصالت نخواهد داشت. حاج قاسم معتقد است که خدمتگزاری با توسعه ارزش‌های دینی برابر است؛ یعنی انجام این امر از سوی مسئولین منجر به نهادینه شدن ارزش‌ها در سطح جامعه اسلامی می‌شود. این نوع نگاه حاج قاسم سلیمانی در رفتار او بروز پیدا کرد؛ به طوری که مردم‌داری و مردم‌دوستی ایشان زبانزد خاص و عام بود. از همین رو بود که در حوادث گوناگون من جمله سیل خوزستان به یاری مردم شتافت.

سوم؛ اعتقاد راسخ به عدم جدایی دین از سیاست

این اصل حاکم بود بر رفتار سیاسی سردار که نه سیاست‌زده بود و نه سیاسی‌کار. مصداق جمله معروف شهید مدرس که می‌فرمودند سیاست ما عین دیانت ماست. سردار سلیمانی اعتقاد داشتند و رفتارشان نیز اعمال می‌کردند.

چهارم؛ فراجناحی بودن

در عین نزدیکی به برخی از گروه‌ها و شخصیت‌های سیاسی با همه تعامل داشت و هیچ‌گاه اجازه نداد که جناحی او را مصادره کند. راز ماندگاری خون و محبت مردم به ایشان نیز در همین منش سیاسی نهفته است. او فارغ از جناح‌بندی‌های سیاسی، با ایفای نقش در مهم‌ترین مسئله منطقه‌ای و سیاست خارجی کشور، تنها به اعتلای اسلام اندیشید؛ از همین رو بود که مورد احترام همگان از هر دسته و گروه و حزب سیاسی بود. ویژگی‌های شاخص حاج قاسم سلیمانی:

۱- نبوغ نظامی، سردار سلیمانی از نبوغ نظامی خاصی برخوردار بود. او مسلط به دانش رزم بود. و برای کسب این دانش و مهارت دقیق و حساس، به گونه‌ای کاربردی و نه صرفاً نظری، بایستی در میدان نبرد، حضوری مستمر داشت و آرام آرام با زوایای مختلف و پیچیدگی‌های فراوان آن آشنا شد. او دستکم، سه میدان عمده رزم را آزموده بود: میدان دفاع مقدس، میدان مبارزه با اشراک مسلح و سرانجام میدان مبارزه در عرصه فرامرزی و منطقه‌ای در عراق و سوریه (در مقابل جریان سفاک داعش با همه پشتیبانی‌هایی که از سوی قدرت‌های استکباری و اذنباشان از آن صورت می‌گرفت) و نیز در هر نقطه دیگری از منطقه که حضور او ضرورت می‌یافت.

۲- روحیه سلحشوری و جنگندگی، او در جنگ‌ها علاوه بر هدایت مقاطع مختلف عملیاتی از طریق استقرار در قرارگاه‌ها، در نهایت شجاعت و بی‌باکی در خطوط مقدم حضور می‌یافت. او عاری از هرگونه ترسی در مواجهه با دشمن در معرکه‌ها و میادین نبرد بود و این جملات امیرمؤمنان حضرت علی(ع) را با همه وجود دنبال می‌نمود: تزول الجبال ولا تزل، عضد علینا جاذک، اعرالله جمجمتک، ارم ببصرک اقصى القوم و غضبصرک واعلم ان النصر من عندالله سبحانه»، اگر کوه‌ها متزلزل شود تو تکان مخور، دندانهایت را به هم بفشار و جمجمه خویش را

به خدا عاریت ده، قدم هایت را بر زمین میخکوب کن، و نگاهت به آخر لشگر دشمن باشد، چشمت را فرو گیر (و مرعوب نفرات و تجهیزات دشمن مشو) و بدان که نصرت و پیروزی از سوی خداوند سبحان است» همانا که سردار سلیمانی اینچنین بود. او در میانه میدان نبرد حضور می یافت و شجاعانه می جنگید. اینچنین حضوری نتیجه‌ای بس مؤثر داشت و باعث می گردید که انگیزه و توان و تحرک نیروی رزم مضاعف گردد. فرماندهی و رشادت بی نظیر او موجب گردید که پس از دریافت چند نشان فتح، برای اولین بار نشان ذوالفقار را که بالاترین نشان نظامی کشور است از سوی فرماندهی معظم کل قوا دریافت نماید.

۳_ روحیه شهادت طلبی، قاسم عزیز ما شیفته شهادت بود او در داغ فراق یاران هم‌رزمش می سوخت و در نجوای شبانه‌اش پیوسته از حضرت حق طلب شهادت می‌نمود. او از مغز استخوان و بن‌دندان و با ذره ذره وجودش خواهان شهادت بود، او با شهدا سخن می‌گفت و از آنان ملتمسانه می‌خواست که او را به سوی خویش برکشند و به بزم معنوی خود فراخوانند. بزرگ‌ترین آرزوی او که هیچگاه در آن سستی و کاستی پدید نیامد، همانا شهادت بود و سرانجام به این آرزو که به دست شقی‌ترین انسان روزگار به شهادت برسد، رسید.

۴_ اخلاص. او به شدت از ریا و خودنمایی پرهیز می‌کرد. بود و نمود او یکی بود، آنگونه می‌نمود که بود. ظاهر بی‌آلایش و مؤمنانه او خبر از باطن صاف و پالوده‌اش می‌داد، مصداق آیه شریفه «سَيَمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ» بود در طریق اخلاص ثابت‌قدم بود. هیچ گاه به دنبال مطرح نمودن خود نبود و آنچنان به غنای درون رسیده بود که مستغنی از ذره‌ای جلوه‌گری بیرونی شده بود. زلال چون آب بود و شفاف چون آئینه.

۵_ ارادت و تمسک به اهل‌بیت (ع). او از عمق جان شیفته اهل بیت عصمت و طهارت (ع) بود. اعتقاد و ارادت و عشق به خاندان رسالت در اعماق وجودش رسوخ نموده بود. پیوسته متوسل به آن اختران تابناک آسمان امامت و ولایت بود. هرگاه به زیارت مضجع شریف یکی از معصومین (ع) تشریف می‌یافت. ت سکر و نشئه حلاوت حضور در جوار مرقد مطهرشان، روح آسمانی او را جلا می‌بخشید و به پرواز در می‌آورد و بهجت و سروری تام و تمام جان شیفته او را فرا می‌گرفت. مجلس عزای حسینی (ع) را برپا میکرد و خدمت در روضه سیدالشهدا (ع) را برای خود افتخاری بس بزرگ می‌دانست.

۶_ ولایت‌مداری. او به غایت ولایت‌مدار بود و به رهبر و مقتدای خویش عشق می‌ورزید. نگاه او به عنوان یک افسر رشید لشکر اسلام به ولی‌امر مسلمین و فرماندهی معظم کل قوا تنها از حیث رعایت سلسله مراتب نظامی نبود بلکه نگاهی بس فراتر داشت و از جنبه اعتقادی بدی - امر می‌نگریست سخن او، نوشته او، نگاه او، تصمیمات، فعالیت‌ها و اعمال او همه و همه تعقیب کننده خط ولایت بود. بی‌جهت نیست که عبارت مالک اشتر ولایت در وصف او به کار برده می شود.

۷_ تعبد و معنویت. او علاوه بر انجام واجبات عبادی به مستحبات نیز توجه ویژه‌ای داشت. از هر فرصتی برای تلاوت آیات قرآن و دعا و مناجات بهره می‌جست. مقید به تهجد و نماز شب

بود. گریه‌ها و راز و نیازهای او در دل شب به روشنی تصویری از یک عارف واصل به دست می‌دهد. عرفان و حماسه هرچند دو رفتار متفاوت می‌باشند اما وقتی عرفان، وصول به حقیقت از طریق شریعت و حماسه از جنس جهاد فی سبیل الله باشد جانمایه آن‌ها یکی می‌شود. به یاد بیاوریم دوران دفاع مقدس را که رزمندگان عزیز ما در اوج داشتن روحیه جنگندگی و سلحشوری و رزم و ستیز با دشمنان، سنگرهای خویش را به نیایشگاه‌هایی بس نورانی و معنوی تبدیل نموده بودند که در آن عاشقانه به ذکر و دعا و مناجات و راز و نیاز با حضرت حق جل و علی می‌پرداختند گویی آنان عرفایی بودند که در طریق سیر و سلوک معنوی، منزل به منزل ره - پیموده‌اند. قاسم از جنس همان بچه‌ها بود.

۸_ فرامرزی بودن. فرماندهی بر سپاه قدس فرصتی را برای حاج قاسم فراهم نمود تا تجربیات جدیدی کسب کند. او در این دوران نه تنها با زوایای مختلف جریان مقاومت در منطقه آشنا گردید بلکه به لحاظ هوشمندی و توان فرماندهی و مدیریتی که از آن برخوردار بود به سرعت توانست در این عرصه کارساز و تأثیرگذار گردد. جنگ ۳۳ روزه در لبنان و آشنایی با جریان مقاومت در فلسطین، تراز فرماندهی او را بالا برد و آنگاه وقتی جریان ضد انسانی داعش که بنا به اعتراف سردمداران جنایتکار امریکا ساخته و پرداخته دست آنها بود چهره پلید خود را در عراق و سوریه نشان داد، اوج درخشش سردار ما نیز در مقابله میدانی با این جریان سراسر پلیدی و پلشتی و سرانجام برچیده شدن آن نشان داده شد.

وقتی به سالهای قبل باز می‌گردیم به آن زمان که رعب و وحشت بر مردم بیگناه منطقه حاکم شده بود و داعش به پشتیبانی مالی، تسلیحاتی و رسانه‌ای استکبار و صهیونیسم و همکاران منطقه‌ای آنان بی‌محابا، از هیچ جنایتی فروگذار نمی‌نمود و به جان و مال و ناموس مردمان بی دفاع سرزمین عراق و شام بیرحمانه می‌تاخت و به سرعت پیشروی می‌نمود و در فکر استقرار همیشگی و سیطره دائمی در این سرزمین‌ها بود به خوبی می‌بینیم که در آن زمان همه مدعیان، صحنه را خالی نمودند و تا مدت‌ها این تنها ایران اسلامی بود که با دوراندیشی و درایت و هوشمندی رهبر معظم انقلاب، افسران رشید خویش را روانه میدان جنگ می‌نمود تا امنیت و آرامش را به مردم بی دفاع منطقه بازگرداند.

پدیده‌ای مبارک به نام مدافعان حرم که هسته مرکزی آن دلاورمردان ایرانی بودند شکل گرفت و سرانجام در کمال بهت و ناباوری تحلیلگران نظامی و سیاسی جهان، سردار سرفراز ما که عزم خویش را برای پاک کردن منطقه از لوث وجود خبیث داعش جزم کرده بود، خبر از نابودی حکومت داعش و پایان یافتن سیطره آن بر منطقه داد. امروز نه تنها امنیت منطقه، بلکه امنیت جهان مرهون مجاهدت‌ها و تلاش‌های خستگی‌ناپذیر آن استراتژیست بزرگ جهانی یعنی سردار سپهبد سلیمانی است او در هر نقطه‌ای که جنگید برای استقرار امنیت و آرامش و بازگرداندن زندگی جاری و طبیعی مردم به آنان، جنگید. در این باب و در خصوص اقدامات خارق‌العاده او در آینده باید پژوهش‌ها نمود، کتاب‌ها نوشت، کنگره‌های بین‌المللی برگزار نمود. آثار علمی، تحلیلی، آموزشی گوناگون و نیز محصولات فرهنگی و هنری فاخر پدید آورد.

۹_ یک دیپلمات برجسته. تأثیرات منطقه‌ای و جهانی سردار سلیمانی تنها به لحاظ قدرت فرماندهی و اقدامات نظامی وی نبوده است، هر جا که ضرورت می‌یافت، او در تراز یک دیپلمات کارکننده و برجسته ظاهر می‌گشت. جذبه و جذابیتش از یک سو و تسلطش به آداب و فنون مذاکره در عرصه دیپلماسی از سوی دیگر به او قدرت تأثیرگذاری فوق‌العاده‌ای در این میدان داده بود این ویژگی مکمل فرماندهی نظامی او بود. آنگاه که لازم می‌آمد از قدرت سخت بهره می‌جست و در وقت مقتضی خویش از قدرت نرم، در این خصوص نیز نکته‌های بسیاری وجود دارد که شایسته است تحلیل‌گران روابط بین‌الملل و تاریخ‌نویسان معاصر در جای خود بدان پردازند.

۱۰_ سختکوشی. او مردی نستوه و خستگی‌ناپذیر بود، از هیچ مشکلی نهراسید و هیچگاه دچار رخوت و سستی و رکود نشد، به غایت ساعی و تلاشگر بود و به آسایش خویش نمی‌اندیشید. علیرغم اینکه در چند عملیات مجروح شد اما همچنان بر بازگشت به جبهه پای می‌فشرد و در کوتاه‌ترین زمان ممکن به خطوط مقدم عملیاتی باز می‌گشت. برای کسی که عمر پر برکت خویش را در جنگ و جهاد گذرانده باشد شاید توجیه در پیش گرفتن یک زندگی آرام و بی‌دغدغه کاملاً پذیرفتنی باشد. اما روح بی‌قرار او از راحتی و آسایش گریزان بود و او می‌خواست تا پایان عمر و تا آخرین نفس سخت‌کوشانه و مجاهدانه به پیش رود.

۱۱_ نظم و انضباط و دقت در امور. ذهنی نظم یافته داشت، دقیق و منضبط بود، در جلسات به موقع حضور می‌یافت، گاه برای شرکت در جلسه‌ای مهم از دمشق به تهران می‌آمد و پس از شرکت در آن مستقیماً به فرودگاه می‌رفت و عازم دمشق می‌شد، دقیق بود و وظیفه شناس.

۱۲_ سرعت عمل و به هنگام بودن. بیشک سرعت عمل یکی از ویژگی‌های ضروری هر فرمانده نظامی است. اما ماهیت کارزاری که او در آن وارد شده بود به گونه‌ای بود که بایستی چون صاعقه بر سر دشمن غدار فرود می‌آمد. مکالمه مسئولین منطقه با او و خبردادن از نزدیک شدن داعش به آنان و استمداد جستن از او و حضور برق آسایش در میانه میدان در کمترین زمان ممکن و شکستن محاصره‌ای که حلقه آن توسط داعش دما دم تنگتر می‌شد تنها یکی از خاطرات ماندگاری است که مسئولین منطقه از آن با شگفتی یاد می‌کنند.

۱۳_ بیان تأثیرگذار. تحلیلگران روانشناسی و شخصیت‌شناسان، تسلط به فن خطابه را به عنوان یکی از ویژگی‌های شخصیت‌های فوق‌العاده تأثیرگذار (کاریزماتیک) عنوان می‌کنند. او این چنین بود و وقتی سخن می‌گفت بیانش آموزه‌ای از عقلانیت و احساس بود و چون از دل بر می‌خواست در نفوس انسان‌ها عمیقاً تأثیر می‌نهاد.

۱۴_ علاقه به فرهنگ و هنر. کتابخوانی یکی از برنامه‌های همیشگی او بود علاوه بر مطالعه مطالب مستند، به خواندن رمان‌ها و داستان‌هایی که سرگذشت‌های درس‌آموزی را حکایت می‌کردند می‌پرداخت. مخصوصاً آثار مربوط به زندگی شهیدان را با حسرت و اشتیاق می‌خواند و هر جا که به وجد می‌آمد در حاشیه کتاب مطلبی می‌نوشت تقریظ‌های او بر کتاب‌هایی که خوانده

است خواندنی است. به شعر و ادبیات و هنر علاقه‌مند بود و به تماشای فیلم‌های فاخر می‌نشست و مشوق کارگردانان و هنرمندانی بود که در به تصویر کشیدن خصال برجسته انسانی می‌کوشیدند.

۱۵_ روحیه انقلابی. او فرزند انقلاب بود و دلبسته و مروج گفتمان آن، او به روشنی می‌دید که انقلاب به مثابه درختی تناور، پیوسته رشد کرده و شاخ و برگ آن فزونی یافته و به سوی ملت‌های عدالت‌خواه جهان امتداد می‌یابد.

۱۶_ اعتدال. او از ورود به حاشیه‌ها در هر زمینه‌ای دوری می‌جست اهل افراط و تفریط نبود فراجناحی بود و نگاهش به جریانات مختلف سیاسی که در زیر خیمه انقلاب فعالیت می‌نمایند به مثابه افراد یک خانواده با سلايق متفاوت بود کلیت جامعه ایرانی را یک خانواده می‌دانست بینش او هم‌گرایانه و تلاش او هم‌افزایانه بود برای او وحدت و انسجام ملی به غایت مهم بود و به لحاظ اینکه بینشی وسیع و جامع‌نگر داشت بیشتر بر مشترکات رویکردهای افراد و شخصیت‌ها و مجموعه‌ها تأکید می‌نمود تا بر وجوه تمایز آن‌ها. در عین حال او مشی انقلابی را پیشه ساخته و استمرار آن را کاملاً ضروری می‌دانست.

۱۷_ سنجیدگی و تدبیر در امور. تصمیمات او سنجیده و حساب شده بود و امور را با تدبیر دنبال می‌کرد ذهنی پردازشگر داشت خوب می‌شنید خوب تأمل و تفکر می‌کرد و دقیق و بجا تصمیم می‌گرفت و آنگاه خوب عمل می‌کرد روبه و رویکردی حلال مسائلی در امور مختلف داشت به اصل بهره‌وری که بر دو پایه کارآمدی و اثربخشی استوار است پایبند بود و از مشورت دیگران بهره می‌جست. به کار جمعی معتقد بود و بدان بها می‌داد. به اتقان در عمل توجه داشت در عین وظیفه‌گرا بودن نتیجه‌گرا بود و به محصول و غایت کار می‌اندیشید.

۱۸_ سادگی و صفا. زندگی ساده‌ای داشت با حداقل امکانات. می‌توانست از راه مشروع بسی بیش‌تر داشته باشد. اما نمی‌خواست، از تجملات به دور بود و از تشریفات بیزار. به راحتی در مجالس مختلف حضور می‌یافت رسم خاکساری پیشه کرده بود در وجود با صفا و نورانیاش هیچ نشانه‌ای از تکبر و تبختر و خود بزرگ‌بینی یافت نمی‌شد.

۱۹_ مردمی بودن. او عاشق مردمش بود به همین لحاظ مردم عاشق او بودند. او پدر مهربان یتیمان بود و ملجا دردمندان و پناهگاه محرومان. او عمیقاً بر این باور بود که مردم ولی‌نعمت ما هستند. و این انقلاب و نظام حاصل تلاش آنان و متعلق به آنان است پیوسته بر این امر تأکید می‌کرد که ما مدیون و وامدار این مردم عزیز هستیم و خدمت به آنان را بایستی یک افتخار بزرگ بدانیم در حوادث گوناگون در میان مردم حضور مییافت و به یاری آنها می‌شتافت خاطره شیرین حضور او در میان سیل‌زدگان در اوایل سال جاری هیچگاه فراموش نمی‌شود.

۲۰_ ارتباط با جوانان. او ضمن اینکه تکریم‌کننده گروه‌های سنی متفاوت از جمله میانسالان و سالمندان بود و آنان را بسیار مورد احترام قرار می‌داد، اما علاقه خاصی به جوانان داشت او جوانان را به عنوان ارزشمندترین و پربهاترین سرمایه کشور می‌دانست و ارتباط عمیقی با

بسیاری از آنان برقرار کرده بود. از دیدن جوانان پر شور میهن به وجد می‌آمد و برای پیشرفت آنان از هیچ تلاشی فروگذار نمی‌کرد.

۲۱_ آرامش و طمأنینه. در عین صلابت، آرام و پر طمأنینه بود سکینه قلبی او متأثر از این بود که پیوسته به یاد خداوند تبارک و تعالی بود و همواره خود را در محضر ربوبی می‌دانست. در جای خود قاطع بود اما با کسی درشتی نمی‌کرد. مرکز ثقل و گرانیگاه شخصیت او در درون او بود نه در برون او، لذا با نوسانات بیرونی، ثبات درون او دچار تغییر و تزلزل نمی‌شد. مؤدب، موقر و آرام و متین بود.

۲۲_ خوشخویی. مصداق بارز یک انسان خوشخو و خوشرو بود و لبخند ملیح و دلنشینش، جذابیت چهره‌اش را دو چندان می‌کرد. با مغناطیس اخلاق نیکوی خویش، دل‌های انسان‌های بی-شماری را به سوی خود جلب نموده بود. دوست داشتنی بود و به همان میزان که در برابر دشمن با صلابت بود و لرزه بر اندام او می‌افکند در مقابل آحاد مردم متواضع و فروتن بود او مصداق بارز آیه ۲۹ سوره فتح قرآن بود که می‌فرماید: (محمد رسول الله والذین معه اشداء علی الکفار رحماء بینهم)

۲۳_ ارتباط عمیق با خانواده. او عمیقاً به خانواده خویش عشق می‌ورزید. تکریم و احترام او به والدین زبانزد خاص و عام بود و رابطه عاطفی‌اش با همسر و فرزندان، کانون خانوادگی‌شان را گرم و پرحرارت نموده بود. انبوه مسئولیت‌ها و دغدغه‌ها و حساسیت‌های کاری، هیچگاه باعث نگردید که او از توجه به خانواده و وقت‌گذاری برای آنان در حدی که برایش مقدور بود فروگذار نماید. صله رحم با بستگان را هیچگاه فراموش ننمود. اینکه انسان در اوج داشتن مسئولیتی اینچنین خطیر که ذهن و وقت و توان انسان را مصروف خود می‌نماید. مراقب این نکته باشد که به خواسته‌های عاطفی خانواده، بستگان و خویشاوندان و دوستان و آشنایان توجه نماید، حقیقتاً ستودنی است.

۲۴_ درک عمیق از حقیقت دنیا و آخرت. او حقیقت زندگی دنیوی را عمیقاً شناخته بود و از سطح به عمق رفته بود و دنیا را از ورای ظواهرش می‌دید. او نیک دریافته بود که دنیا با همه جاذبه‌هایش، با همه زرق و برقش، با همه لذت‌هایش، با همه چرب و شیرینش، ناپایدار و گذراست. او به خوبی متوجه این حقیقت شده بود که دنیا گذرگاه است و آخرت منزلگاه. نگاه او به دنیا از بالا به پایین بود اما درک این معنا باعث نگردید که ره به تفریط برده و گوشه انزوا اختیار کند و صرفاً به عبادت رهبانیت‌گونه بپردازد بلکه او دقیقاً به این حدیث شریف نبوی(ص) که فرمود: «الجهاد رهبانیه الاسلام» عمل نمود.

او مصداق این جمله امیرمؤمنان(ع) بود که «حملو ابصارهم علی اسیافهم» جنگاوران متقی از روی بصیرت شمشیر می‌زنند. ورود در هنگامه‌های پرخوف و خطر و در معرکه‌های سنگین جهاد فی سبیل الله برای او حکم عبادت و رهبانیت (از جنسی که پیامبر اعظم(ص) آن را مورد تأکید قرار داده) داشت. نگاه او به دنیا و فانی بودن آن، رفتار او را به گونه‌ای شکل داده بود که گویی از اهل دنیا نبود او پیوسته احساس می‌کرد که در این دنیا مسافری است که دیر یا زود بایستی

به جهان آخرت شتافت. او دنیا را به عنوان یک مجاز ناپایدار و آخرت را به عنوان حقیقتی ماندگار یافته بود. او عمیقاً به این آیه باور داشت که: «وَلَاخِرُهَا خَيْرُ لَكُمْ الدُّنْيَا» او آخرتگرا بود و بدین لحاظ عبد صالح خدا و بنده مبارک او گردید.

«مرد آخرین مبارک بنده‌ای است» او با زیباترین رنگ هستی پوشش یافته بود که همانا رنگ الهی است «صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً» و این حاصل شناخت دقیق او نسبت به فلسفه خلقت و عظمت خالق و پرهیز از دنیازدگی و توجه به آخرت بود. او خواسته‌های خود را در مسیر خواسته خداوند تعریف کرده بود.

۲۵_ توجه به اصل کمال طلبی. او همواره تلاش می‌کرد تا باورهای الهی خویش را تعمیق بخشیده و در مسیر اعتلای رفتارهای سازنده طی طریق نماید. ایمان مستقر و رو به رشد در نهاد انسان و تلاش در جهت انجام اعمال صالح که روزبه‌روز از عمق و گسترش بیشتری برخوردار گردد. شخصیت انسان را استوار نموده و او را به کمال هرچه بیشتر نزدیک و نزدیکتر می‌نماید. او در این مسیر دچار تزلزل و عقب گرد نگردید. بر صراط مستقیم حق پایدار بود و از پلکان کمال آرام آرام بالا می‌رفت. او رهروی بود که آهسته و پیوسته می‌رفت همچون کوهنوردی که گام‌های استوار خویش را شمرده شمرده برای رسیدن به قله برمی‌دارد.

اینها و ویژگی‌های فراوان دیگری، مؤلفه‌های این شخصیت بزرگ را نشان می‌دهند. مؤلفه‌هایی که وقتی فراگرد هم می‌آیند جامعیت یک شخصیت را به تصویر می‌کشند و او را به عنوان یک مکتب و یک چراغ راه و یک مدرسه درس‌آموز معرفی می‌کنند. منظومه‌ای که همه اجزای آن با یکدیگر همگون و هماهنگند ما در این شاکله شخصیتی، تضاد و شک و تردید و نوسان نمی‌بینیم. او یک اسطوره است اما نه اسطوره‌های از عهد باستان بلکه اسطوره‌های پیش چشم، ملموس و مربوط به جامعه کنونی ما، الگویی عینی برای هر کسی که بخواهد در مسیر کمال گام بردارد. ما در اینجا قصد گزافه‌گویی نداشته‌ایم هر آنچه که از صفات او به تصویر کشیدیم عین واقعیت بود او تلاش کرده بود تا همه ظرفیت‌های وجودی خویش را شکوفا نماید و تصویری از چهره یک انسان ذو ابعاد و نه تک ساحتی را در عصر کنونی به جامعه ما و جهانیان نشان دهد.

او یکبار دیگر و در امتداد خطی که انسان‌های خود ساخته که هر یک چراغی بر افروخته‌اند و از حصار فردیت به در آمده‌اند و به جامعه خدمت نموده‌اند چراغی پر فروغ بر افروخت. او یکبار دیگر عملاً به ما نشان داد که انسان دارای قابلیت‌های فراوانی است که در صورتی که همت نماید می‌تواند به خوبی آنها را شکوفا نماید. ابعاد شخصیتی او به گونه‌ای است که می‌تواند الگوی هر انسانی در هر منصبی و هر موقعیتی باشد. نکته‌ای که ذکر آن در اینجا ضروری می‌باشد همانا تأثیر شهادت آن سردار سرفراز است دشمن گمان می‌کرد که با شهادت رساندن سردار سلیمانی و حذف ظاهری او به اهداف خویش دست می‌یابد. در حالی که باید گفت که (شهید سلیمانی از سردار سلیمانی کارسازتر است)

پیشینه تحقیق

زارعی و همکاران 1400؛ شهید سلیمانی کاملاً مردم را از دیگاه معنوی می‌دید و معتقد بود خدمت به این مردم نه تنها برای ما افتخار است بلکه خدمت به خود است و اگر انسان بخواهد به جایی برسد راهش این است که خدمتگزار مردم باشد. دلیل چنین نگاهی این بود که تقرب به خدا را از مسیر انسان و انسانیت می‌دید. فلذا هم در بعد اعتقادی و هم در بعد عملی تقرب انسانی داشت. در نگاه ایشان تقرب به خدا از طریق تقرب به انسان حاصل می‌شود. یعنی همجواری با انسانی که مخلوق خداست و این یک نگاه فرادینی است. سردار شهید قاسم سلیمانی به عنوان ژنرال شکست‌ناپذیر در عرصه‌های میدان نبرد بسیار شناخته شده است اما در جنبه‌های انسانی کمتر به مکتب ایشان توجه شده و نیاز به تبیین بیش‌تر دارد، بنابراین هدف این پژوهش پرداختن به این موضوع است. این مقاله در صدد است تا با اتکال بر روش روایت‌پژوهی، روایت مناسبی از هدف مورد بررسی را ارائه نماید. یافته‌ها نشان می‌دهند که مفهوم ولایت به عنوان جنبه بارز انسانی حاکم بر اعمال سردار، تعامل او با نخبگان و مردم عامی را چنان سمت و سو داده است که وی، کار کردن برای مردم را وسیله قرب الی الله می‌داند. او دارای نگرش مثبت به دیگران بوده و از این رو شناخت و احترام به شخصیت دیگران را در سرلوحه تعاملات خود داشته است. درک موقعیت فرد مخاطب خارجی و داخلی و ارزش اندیشه مخاطب، جهت ارتقای هم‌درکی با ایشان از خصیصه‌های برجسته او و نهایتاً مکتب منسوب به اوست. این مقاله نشان می‌دهد که سه جریان ارتباطی مهم در تشریح جنبه‌های انسانی مکتب شهید سلیمانی قابل مشاهده است. جریان تعاملات اجتماعی (در تعامل بین انسان ذی‌حق و انسان صاحب کرامت)، جریان عبودیت (در تعامل بین انسان ذی‌حق و انسان به مثابه خلیفه‌الله) و جریان هدایت (در تعامل بین وجه خلیفه‌الهی انسان و وجه صاحب کرامت بودن او). این سه جریان در الگوی نهایی پژوهش ارائه شده است.

موسوی 1398؛ مکتب حاج قاسم ضرورت امروز کشور است و از آن می‌توان به عنوان الگوی عملی بخش‌های مدیریتی و اجرایی کشور بهره برد. هدف مقاله بررسی مکتب شهید حاج قاسم سلیمانی در دفاع از حریم اهل بیت(ع) است. سؤال اصلی پژوهش حاضر را اینگونه می‌توان مطرح کرد، که مکتب شهید حاج قاسم سلیمانی از چه ویژگی‌های برخوردار است که آن را به یک مکتب و الگوی عملی مطلوب در بخش‌های مدیریتی و اجرایی کشور بلکه جهان اسلام تبدیل کرده است؟ روش تحقیق توصیفی-تحلیلی است و در جمع‌آوری اطلاعات از شیوه کتابخانه‌ای و فیش برداری از کتاب‌ها و مقالات و سایت‌های اینترنتی استفاده شده است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که مکتب حاج قاسم از منش و رفتار سرداری می‌گوید که نمونه یک انسان مومن عاشق است، سرداری که خالصانه عاشق شهادت و ولایت بود، خود را سرباز ولایت می‌دانست و تمام زندگی‌اش را وقف خدا و خدمت به مردم کرده بود. نتیجه آنکه، شهید سپهبد قاسم سلیمانی امروز فقط یک فرمانده نیست که یک اسطوره بزرگ است؛ اسطوره مقاومت در برابر ظلم و ظالم، اسوه اخلاص و کار بی‌منت برای خدا، سرمشق تلاش، ساده‌زیستی، شجاعت، مجاهدت و خدمتگزاری به مردم و قهرمان مبارزه در راه آرمان، بی‌آنکه از «غیر خدا» ترسی داشته باشد.

قرباغی و ازگلی 1399؛ با تحولاتی که پس از چهل سال استقامت و پایداری انقلاب اسلامی در عرصه‌های ملی و فراملی روی داده است و با ورود به گام دوم این انقلاب مبارک، به نظر می‌رسد الگوهای سنتی رهبری در سازمانها، پاسخگوی همه نیازهای انقلاب اسلامی نیست و بیش از هر زمان، نیاز به سبکهای رهبری بومی و موثر احساس می‌شود. یکی از اشکال رهبری که به رابطه قلبی بین رهبر و پیروان توجه دارد و رهبر را در کنار خدمتگزاری به اهداف سازمان، خدمتگزار پیروان خود می‌داند، رهبری خدمتگزار است. سبک رهبری سردار شهید قاسم سلیمانی به عنوان مصداقی متعالی از رهبری خدمتگزار، سبکی بومی و موثر است که موفقیت‌های شگرف از جمله نابودی داعش را پدید آورد، بعد از شهادت ایشان و روشن تر شدن ابعاد گسترده تری از شخصیت و مأموریت وی، سبک رهبری ایشان به عنوان سبکی متناسب با ذات انقلاب اسلامی، بیشتر مورد توجه قرار گرفت. این پژوهش با هدف ترسیم مولفه‌های سبک رهبری این فرمانده، به بررسی کتابخانه‌ای در زندگینامه، سخنرانیها، یادداشتها و وصیتنامه شهید

می پردازد، آن گاه با بهره گیری از راهبرد تحلیل مضمون، به 248 مضمون پایه، 21 مضمون سازماندهنده و 10 مضمون فراگیر دست یافت. این مضمونها شامل «مهرورزی با مردم»، «تکلیف گرایی»، «تخلیق به ارزشهای الهی»، «تمرکز بر مأموریت»، «معنویت فردی»، «شخصیت با صلابت»، «پرورش کارکنان»، «داشتن آرمان متعالی»، «اخلاص در عمل» و «بصیرت زیاد» به عنوان مولفه های سبک متعالی رهبری خدمتگزار شهید قاسم سلیمانی است. ترابی کلاته قاضی 1399؛ پس از شهادت شهید سلیمانی بی شک، مهمترین گزاره و توصیف درباره ایشان را رهبر معظم انقلاب (مدظله) فرمودند که از ایشان به "مکتب" یاد کردند. با لحاظ این توصیف، ضروری است تا محققان ابعاد مختلف این مکتب را تبیین نمایند؛ در این پژوهش با عنایت به اینکه یکی از وجوه بارز شهید سلیمانی که همانا بعد فرماندهی و مدیریت ایشان می باشد؛ سعی شده است الگوی شایستگی های فرماندهی در مکتب شهید سلیمانی احصاء، تدوین و ارائه گردد. این مقاله، جهت احصاء مولفه ها و ابعاد شایستگی ها، از روش تحلیل مضمون بهره گرفته است و کدگذاری مطالب با استفاده از نرم افزار MAXQDA انجام شده است و شایستگی های فرماندهی در مکتب شهید سلیمانی با استفاده از متن سخنرانی ها، مصاحبه و وصیت نامه شهید بزرگوار و سایر منابع معتبر استخراج و ارائه شده است. در این تحقیق مجموعاً 406 گزاره کلیدی، 88 مضمون پایه، 12 مضمون سازمان دهنده و 3 مضمون فراگیر شناسایی و ارائه گردیده است. شایستگی های فرماندهی در مکتب شهید سلیمانی که در این پژوهش ارائه شده اند در ابعاد بینش، گرایش و روش دسته بندی و ارائه گردیده اند.

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع توصیفی و اسنادی بوده و به روش کتابخانه ای و با استفاده از کتاب ها، مقالات و پایگاه های معتبر علمی و پژوهشی داده های آن فراهم شده است.

نتیجه گیری

شهید سلیمانی تنها یک الگو در عرصه نظامی و جنگاوری نبود بلکه او برای همه کارگزاران و دستاندرکاران اداره بخشهای مختلف کشور و برای آحاد ملت عزیز ایران مخصوصاً جوانان برومند این سرزمین یک الگوی جامع اخلاقی، فکری، معرفتی، معنوی و نمونه ای برجسته از مدیریت جهادی است. در اینجا باید به بیانیه راهبردی گام دوم انقلاب که سال گذشته و در چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب کبیر اسلامی توسط رهبر حکیم و آینده نگر انقلاب صادر گردید اشاره نمود و اینکه برای تحقق اهداف و رویکردهای این بیانیه بایستی به مؤلفه های مکتب شهید سردار سلیمانی توجه داشت و آنها را در مقام عمل دنبال نمود. با داشتن چنین روحیه ای و چنین ویژگی هایی مطمئناً مسیر حرکت به سمت آینده ای روشن و امیدبخش بسیار دقیق تر و سریع تر طی خواهد شد. هر قدر به او و سیره معنوی و فکری و فضائل اخلاقی و نوع مدیریتش که مدیریتی جهادی با نگرشی انقلابی بوده است نزدیکتر شویم به تحقق اهداف بیانیه گام دوم انقلاب نزدیکتر شده ایم. دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی کشور در آستانه چهلمین روز شهادت سردار سپهید قاسم سلیمانی عروج ملکوتی آن شهید والا مقام را بار دیگر به روح بلند او تبریک و به محضر مبارک حضرت بقیه الله الاعظم (عج)، مقام معظم رهبری (مدظله العالی) خانواده معزز و همه همزمان آن شهید و ملت قهرمان ایران اسلامی و همه آزادگان جهان تسلیت

عرض مینماید. انشاءالله در چهلمین روز شهادت آن شهید سرفراز با حضور پرشور و گسترده خویش در راهپیمایی ۲۲ بهمن یکبار دیگر با آرمانهای امام راحل عظیم الشان و رهبر فرزانه انقلاب اسلامی و شهیدان گلگون کفن بیعت نموده و وحدت و انسجام ملی خود را بار دیگر به نمایش گذاشته و دشمنان قسم خورده این مرز و بوم را ناکام می‌نماییم. سَيَعْلَمُ الَّذِيْنَ

ظَلَمُوا أَيْ مَنَقَلَبَ يَنْقَلِبُونَ

پس از ارائه روایت های خرد از جنبه های انسانی مکتب، در جمع بندی به ارائه فراروایت های اساسی جنبه های مذکور پرداخته می شود. منظور از فراروایت، روایت کنش های انسانی مکتب در یک نگاه کلان و نقض خصوصیت از برخوردهای انسانی با افراد یا گروه های خاص است. شناخت و احترام به شخصی به دیگران: هر انسانی دارای شخصیت منحصر به فرد خود است. شخصیت، ویژگیهای یک فرد است که بر اثر عوامل ارثی و محیطی شکل می گیرد و به صورتی که الگوی رفتاری قابل تمیز خود را نشان می دهد. افراد به محیط هایی که متناسب شخصیت آنها باشد بعضی از افراد عاطفی و برخی منطقی و عده ای عصبی هستند. همانطور که عده ای درونگرا هستند و با تفکر و اندیشه به بررسی مسایل میپردازند و برخی سنت گرا که می خواهند طبق الگوی خاص حرکت کنند و عده ای چالش و مبارزه را دوست دارند که این نشان دهنده تفاوت بین عالیشان و نگرش ها و تمایلات افراد است. شهید سلیمانی فارغ از نوع درون گرا یا برونگرا بودن انسان ها، تمایل داشت که با انسان ها ارتباطی برقرار کند که طرف مقابل احساس آرامش و مودت با او نماید. نگرش مثبت به دیگران: برداشت، طرز تلقی و نظر ما نسبت به دیگران نگرش نامیده می شود. این که فرد چه برداشتی از اطرافیان و همکاران خود دارد تأثیر شگرفی بر رفتار او و برقراری رابطه با دیگران دارد؛ اگر ما نسبت به طرف مقابل نگرشی مثبت داشته باشد، برای برقراری رابطه با او آمادگی خواهد داشت و بالعکس. نگرش ها بر حسب اطلاعات و شناختی که از افراد و پدیده های پیرامون بدست میاید شکل می گیرد. فرمانده نسبت به همکاران خود نگرش های مثبت یا منفی دارد. فرماندهانی که نگرش مثبت دارند همکارانشان را افرادی توانمند، مسئولیت پذیر و برانگیخته می دانند. این فرماندهان درصدد دادن مسئولیت و اختیار به زیردستان خود هستند. آنها را در تصمیم گیری ها شرکت میدهند. شهید سلیمانی، در عرصه تفویض اختیارات چنان موفق عمل کرد که محورهای مقاومت بعد از شهادت او نیز به هیچ وجه مقاومتشان کم نشد. شهید مبتنی بر نگرش مثبت خود به دیگران این امر مهم را رقم زد. درک موقعیت فرد: شرایط زمانی و مکانی نیز تعیین کننده وضعیت و موقعیت فرد است که تأثیر قابل ملاحظه ای در برقراری روابط انسانی دارد. موقعیت هر فرد، وضعیت خاص هر فرد در یک زمان یا مکان خاص است. مدیریت که با هوشیاری شرایط بحرانی زندگی دیگران را درک می کند و زمینه های کمک و مساعدت به افراد مشکل دار را فراهم می کند، میتواند با اعتماد فراوان به تأثیر و نفوذ خود بر دیگران امیدوار باشد. شهید سلیمانی هم درک درستی از جایگاه خود و هم درک درستی از جایگاه اطرافیان نزدیک و هم درک درستی از نیازمندی های جوانان و افراد جبهه های مختلف مقاومت داشت و تلاش می کرد تا حد توان نکات افراد و نیازمندی های ایشان را نیز مرتفع کند.

منابع

آیت الله خامنه ای، بیانات دیدار با مردم قم در تاریخ 18/10/1398 -

حجت السلام سعادت نژاد، 1390، مشاور عالی فرهنگی سپاه قدس، گفتگو برنامه تلویزیونی - دست خط

شیخ طوسی، امالی، ص481، ح1051 -

لطفی پور، علی، 1398، 25 ویژگی شاخص حاج قاسم سلیمانی، دبیرخانه شورای فرهنگ - عمومی کشور، بیانیه ی تفصیلی در خصوص تبیین مولفه های مکتب شهید سردار سلیمانی، کدخبری: 962548

زارعی، سعدالله، پورقیومی، ایوب، علویان، مجتبی، 1400، تبیین جنبه های انسانی مکتب - شهید سلیمانی، سامانه مدیریت نشریات علمی، مقالات برگزیده دومین همایش بین المللی گام دوم انقلاب، دوره 3

عابدی، احمد، کاراندیش، سولماز، 1390، برتری انسان بر سایر آفریدگان، اندیشه دینی، - شماره 38

محمدی، روح اله، فقیهی زاده، عبدالهادی، 1395، مبانی انسان شناختی روش تربیتی قرآن و - حدیث در بعد اجتماعی، آموزه های تربیتی در قرآن و حدیث، جلد 1، شماره 2

راغب اصفهانی، حسن ابن محمد، 1386، مفردات الفاظ القرآن، جلد اول، ترجمه: - محمدحسین رحیمی، نشر سبحان

جوادی آملی، عبدالله، 1386، منزلت عقل در هندسه معرفت دینی، جلد دوم، انتشارات اسراء -

رضائیان، زهرا، 1399، نگاهی به ویژگی های سردار مکتب ساز، حاج قاسم سلیمانی، فصلنامه - علمی تخصصی ویژه مبلغان، شماره 1

فکوهی، ناصر، 1382، تاریخ اندیشه و نظریه های انسان شناسی، چاپ دوم، نشر نی -

موسوی، سید محمد، 1398، مکتب حاج قاسم سلیمانی در دفاع از حریم اهل بیت، فصلنامه - علمی مطالعات بیداری اسلامی، دوره 8، شماره 1

قرباغی، میثم، ازگلی، محمد، 1399، واکاوی سبک رهبری سردار شهید حاج قاسم سلیمانی - الگوی متعالی رهبری خدمتگزار، نشریه مدیریت اسلامی، دوره 28، شماره 4

ترابی کلاته قاضی، علی، 1399، ابعاد و مولفه های شایستگی فرماندهی در مکتب شهید - سلیمانی، دومین همایش بین المللی گام دوم انقلاب اسلامی: مکتب شهید سلیمانی؛ الگوی تربیت مدیران جهادی تمدن ساز